

درپهنه اندیشه و در عرصه عمل

یادی از استاد
دکتر امیرحسین
جهانبگلو

● اوائل تیرماه خبردار شدیم که دکتر امیرحسین جهانبگلو به رحمت ایزدی پیوست. امیرحسین جهانبگلو (که همواره از آوردن عنوان دکتری در جلوی اسمش پرهیز می‌کرد) پس از پایان تحصیلات دکتری اقتصاد در فرانسه در شرکت نفت بکار مشغول شد و در عین حال در دانشکده حسابداری شرکت نفت نیز اقتصاد تدریس می‌کرد. بسیاری از فارغ التحصیلان قدیمی این دانشکده شاگرد او بوده‌اند. در حدود سال ۱۳۵۰ به دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران انتقال یافت و تدریس اقتصاد را ادامه داد. او مترجمی ورزیده و استادی دلسوز بود و بسیاری از فارغ التحصیلان دانشکده اقتصاد شاگرد او بودند. مصطفی علیمدد که افتخار شاگردی وی را داشته در زیر یاد استاد مطلبی نوشته است. ما نیز در غم از دست رفتن او شریکیم و به خانواده و شاگردانش فقدان وی را تسلیت می‌گوییم. یادش گرامی باد. ●

حسابدار

● این پسا آن پاکنان، آجر فرش باغچه را پشت سر گذاشتیم و شرمنده و مضطرب روی نیمکتی در ایوان نشستیم. بارها به اینجا آمده بودیم. آخر ما شاگردش بودیم؛ سوال داشتیم، نظرمی خواستیم، به راهنمایی احتیاج داشتیم...

دکتر معمولاً روی پرویمان می‌نشست. احوالبرسی تمام نشده می‌رفت سراغ موضوع اصلی. اغلب آرام حرف می‌زد؛ با شکی منطقی، همه‌جانبه‌نگریستن و همواره نظری داشت بر اندیشه‌های تازه. اما گاه پرخاش می‌کرد، بویژه وقتی اظهار نظری قاطع ولی بدون پشتوانه منطقی می‌شنید، با این حال، همیشه مهربانی از سیمایش می‌تراوید.

حدود یک ماه پیش بود که به دیدارش آمدم. روی تخت دراز کشیده بود قامت بلند و استوارش شکسته و اندام نیرومندش سخت نحیف و لاغر شده بود. در پاسخ به نگاههای پرسامان چند جمله‌ای از بیماریش گفت. بعد، مطابق معمول از اندیشه‌های تازه گفت. اندیشه‌هایی که کوشش دارند دنیای پرتلاطم و تحول موجود را تبیین کنند و نقش روشنفکر را در این عرصه.

آنقدر گفت تا شوق پرسش را دوباره بدید آورد و آنوقت، در پاسخ به پرسشهایمان به طرح مسائل تازه، پدیده‌ها، قطب‌بندیها، و مسائل روز پرداخت و سرانجام پرسشها را با پرسشهایی برای اندیشیدن پاسخ گفت...

دلمان نمی‌خواست برویم. آخر او استادمان بود و می‌ترسیدیم، این آخرین جلسه درس باشد. اما باید می‌رفتیم چون او درد جانکاهش را در پس چشمهای نافذ و مهربانش پنهان کرده بود.

آن روز رفتیم و حالا که برگشته بودیم او به دیار جاوید سایه‌ها رفته بود. همسرش نه بهتر است بگوییم دوستش، یارش و همراهش در جای دکتر نشسته بود و از پاکتویس کردن آخرین مطلبی که دکتر ترجمه کرده بود می‌گفت و از کاری که باید بشود روی دست‌نوشته کارهای تمام شده یا ناتمام دیگرش. از شناختن قدر دکتری که گفت در روزگار حیاتش و از لزوم تجلیل از صاحبان اندیشه و خدمتگزاران علم و ادب و اجتماع. شاید هم ایجاد بنیادی برای این کار... دوستم گفت: فکر می‌کردیم حالشان بهتر شده. آخر گفتند دو هفته پیش برای جلسه دفاع رساله یکی از بچه‌ها به دانشکده رفته بودند.

همسر دکتر گفت: نه حالش خیلی بد بود. اما مقدار زیادی مسکن خورد و همراه یکی از بچه‌ها رفت به دانشکده. می‌گفت «اگر نروم کار آن جوان می‌ماند...» به خاطر آمد چند سال پیش، ده سال شاید هم بیشتر، که برای جراحی آپاندیسیت یا چیزی

دیگر در بیمارستانی بستری بود، علیرغم مخالفت پزشکان از بیمارستان آمده بود بیرون و در جلسه دفاع رساله یکی از شاگردانش شرکت کرده بود و بعد به بیمارستان برگشته بود. وقتی به مناسبتی از او جریان را پرسیدم. با فروتنی گفت: آخر حتماً فلانی چند نفری را دعوت کرده بود تا گرفتن دکترایش را با هم جشن بگیرند. اگر نمی‌رفتم مجلسشان به هم می‌خورد...

ما، شاگردان شاکر دکتر امیرحسین جهانبگلو در حد بضاعتمان از او بسیار آموختیم درپهنه اندیشه. کاش در عرصه عمل هم بتوانیم شاگرد کوچکش باشیم. ●

مصطفی علی مدد
خردادماه ۷۰

برخی از آثار امیرحسین جهانبگلو

- ۱- سیاست افلاطون/ الکساندر کویره/ (ترجمه)/ انتشارات خوارزمی
- ۲- تصحیح تاریخ غازان خان از تاریخ رشیدی/ زوار ۱۳۳۵
- ۳- نفت و کشورهای بزرگ جهان/ پیتراودل/ (ترجمه)/ خوارزمی
- ۴- جهان سوم در برابر کشورهای غنی/ آنجلو پولوس/ (ترجمه)/ خوارزمی
- ۵- سپیده دم/ امانوئل روبله/ (ترجمه)
- ۶- بحران دلار/ پرو- دوونیزه- تریفین/ (ترجمه)/ خوارزمی/ ۱۳۵۱
- ۷- غولهای غلات/ دن مورگان/ (ترجمه)/ نشر نو/ ۱۳۶۳
- ۸- برنامه ریزی اقتصادی/ تین برگن/ (ترجمه)
- ۹- جهان سوم در بن بست/ پل بروک/ (ترجمه)/ خوارزمی/ ۱۳۵۳
- ۱۰- روش تفکر سیستمی/ دانشگاه آزاد انگلستان/ (ترجمه)/ پیشبرد/ ۱۳۷۰

تسلیت

مطلع شدیم که آقای جواد اصفهانیان عضو قدیمی انجمن ویکی از حسابداران با سابقه و پاکدامن برحمت ایزدی پیوستند. مصیبت وارده را بخانواده ایشان و جامعه حسابداران صمیمانه تسلیت می‌گوییم.